

## سلطان علاء الدین حسین

از متن فوق الذکر طبقات ناصری بخوبی استنباط می شود که سنجر تقریباً بعد از مدت دو سال حبس با شرف بالآخره مجبور گردید و چنانچه بیشتر هم اشاره نمودیم به سهو خود ملتفت گردیده و علاء الدین را نسبت به فتنه غزان که متوجه او بود دو باره به غور گسیل داشت تاوی به غور رود و خود را تقوی به بخشیده مشترکاً با سنجر بدفع غزان پردازد و این واقعه در سال ۵۷۴ هجری بوقوع پیوست و سال دیگر آن یعنی ۵۴۸ هجری در روز اول محرم آن سال مطابق ۲۰ مارچ ۱۰۵۶ سنجر به توسط غزها شکست خورد و بدست ایشان مجبوس گردید. در ظرف مدتی که علاء الدین در دربار سنجر در نظر بندی سپری می نمود ملک ناصر الدین حسین بن محمد مادینی بر غور حکومت می کرد، تفصیل اینکه: چون سلطان علاء الدین در او به بدست سنجر اسیر افتاد امراء غور ملک موصوف را از مادین بیاوردند و بر تخت غور نشانند، این ملک که اکثر مورخین حتی از وی ذکری هم نمی کنند چون بر تخت غور نشست خز این و ذخایر سلطان علاء الدین را تصرف نمود و بقول منہاج سراج در روضة الصفا چه به ضرورت و چه به اختیار همرا به امراء اکابر و اردل داد و مالک غور ضبط کرد و قوت رمدد او از متعردان ولایت کشی (کاسی) بود مشارالیه اخلاقاً نیز شخصیت پستی داشت چون علاء الدین از نزد سنجر مرخص گردید روبرو غور نهاد دوستان علاء الدین در خفیه کنیز کان علاء الدین را که جبراً در حرم ناصر الدین بسر می بردند اغوا کردند و بوقتی که ملک ناصر الدین ر بستر خفته بود او را توسط بالشتی خفه نموده هلاک کردند علاء الدین چون از طرف سنجر مرخص گردید اولاً روبرو دیار کاسی نهاد و در اثر آنکه ایشان با ناصر الدین بن محمد مادینی در تصرف و غارت خزاین و احوال وی شرکت داشتند و چنان از وی حمایه می کردند جمله کوشک های ایشانرا که زیادت از هزار قصر بود همه خراب کرد و به استناد منہاج سراج هر یک از ان قصور در حصانت و رفعت چنان بودند که در فضای وهم و تصور آن نقش نپذ بسود.

وبعد از سر کوبی متمردان ولایت کاسی و دیگر جبال دوه فیروز کوه نهاد و به فتوح دیگر پرداخت. منهاج سراج در مورد فتوحات سلطان علاءالدین می نگارد که بلاد بامیان و تخارستان را بدست آورد و بلاد داورو جروم (گرم سیر) و بست نیز بگرفت و از خراسان قلعه تولک را (به حصه اماکن رجوع شود) که در حوالی جبال به نزد یک هرات است بعد از مدت شش سال بگرفت ... و از آنجا روی به فتوح غر جستان آورد و حره نورملک را که دختر شاه ابراهیم بن اردشیر شاپور بود از ملوک غر جستان در جباله خود آورد و صحن رود بار مرغاب و قلاع در تصرف او آمد. اما در قلعه سنکجی (سبیکجی - سبکی) مدت شش سال جنگ کرد و ازین مدت سه سال مدام بنشست تا مسلم شد گوید در آخر کار علاءالدین حسین غوری بنابر دعوت داعیان اسماعیلی به مذهب ایشان گروید و کمی بعد پتا ریخ ۶ ۵۵ (۱) هجری وفات کرد و گروهی را عقیدت بر آنست که سلطان علاءالدین در جنگ غزان کشته شد و بقول طبقات ناصری در جوار اسلاف و برادران دفنش کردند

بخطه سنکجه غور . پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

۱: راجع به تاریخ وفات سلطان علاءالدین مانند بعضی موارد دیگر اختلاف نظر موجود است چه بسا از مورخین تاریخ وفات وی را ذکر نه نموده است و مادر این جاهلانا تاریخی را گزیدیم که عده زیادی از نویسندگان بر آن اتفاق دارند و در مورد سلطان سیف الدین پسر علاءالدین در صفحه آینده به این مطلب روشنی خواهیم افکند.